



زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام

اهمیت زیارت غدیریه

اهمیت و فضیلت بی نظیر زیارت معصومان: بر کسی پوشیده نیست. اصولاً زیارت اهل بیت (علیه السلام) از افضل اعمال است. برای هر امامی در گردن موالیانشان حقی است که از جمله وفای به حق، زیارت قبر آن امام (علیه السلام) می باشد.

احادیث فراوان در فضیلت زیارت و ثواب های بسیار آن وارد شده است؛ همانند احادیثی که در کتاب شریف کامل الزیارات آمده است. اعتبار این کتاب به حدی است که حتی عدّه ای از علما قائلند: هر راوی که نام او در این کتاب بیاید، صحیح است؛ هر چند توثیق دیگری در مورد او نداشته باشیم.

پیشوایان دین، ما را با این حقیقت آشنا کرده اند که برخی زیارت های شریف از ده ها، بلکه صدها حج بالاترست؛ برای نمونه می توانید به کتاب کامل الزیارات و کتاب مزار بحار الانوار مراجعه فرمایید.

اگر زمانی توانایی زیارت حضوری را نداریم، به زیارت از راه دور سفارش شده ایم، تا از همان ثواب برخوردار گردیم. یکی از بهترین این زیارت ها، زیارت غدیریه حضرت امام هادی (علیه السلام) است. زمانی که معتصم ملعون، حضرت امام هادی (علیه السلام) را به تبعید می برد؛ حضرت امام هادی (علیه السلام) در عید غدیر به نجف اشرف رسیدند و با این زیارت، جدّ بزرگوارشان حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را زیارت فرمودند.

در میان اعمال روز غدیر، نماز عید غدیر و زیارت غدیریه سفارش خاصی دارد؛ البته این دو عمل، اختصاصی به این روز ندارند و در روایت آمده که در روزهای دیگر هم انجام می گیرد.



زیارت غدیریه در نگاه بزرگان

علمای مکتب اهل بیت: هم بر این زیارت تأکید دارند:

مرحوم شیخ عباس قمی

شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان در مورد این زیارت نوشته اند: روایت شده به خواندن آن زیارت، در هر وقت و هر کجا که شخص باشد... ما در کتاب هدیه الزائرین به سند این زیارت اشاره کردیم و این که زیارت را هر روز از نزدیک و دور می شود خواند و این فایده جلیله ای است که البته راغبان در عبادت و شائقان زیارت حضرت شاه ولایت آن را غنیمت خواهند شمرد.

مرحوم شیخ عباس قمی، کتاب دیگری به نام «هدیه الزائرین» دارد. وی در این کتاب در زمینه اتقان سند و استحکام صدور این زیارت می نویسد: شیخ جلیل محمد بن المشهدی یکی از بزرگان علما است. وی در مزار کبیر برای این زیارت شریف، سند بسیار معتبری ذکر نموده که کمتر خبری به قوت سند او می رسد....

از ابی القاسم حسین بن روح و عثمان بن سعید عمری از ابی محمد حسن بن علی العسکری از پدرش امام هادی (علیه السلام) و این سلسله شریف، همه از اعیان علما و شیوخ طائفه و رؤسای مذهب اند و جناب ابوالقاسم حسین بن روح و عثمان بن سعید، هر دو از نواب امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند و بعد از تأمل معلوم می شود که در تمام زیارات مأثوره، زیارتی به این وجه از صحت و اعتبار و قوت سند پیدا نمی شود.

آیت الله نوری همدانی

آیت الله نوری همدانی هم در دیدار ستاد اعتکاف با معظم له، ضمن خواستار نگارش شرح بر این زیارت و زیارت جامعه کبیره خاطر نشان کردند: نگارش شرح و توضیح برای این دو زیارتنامه، خدمت



بزرگی است؛ مخصوصاً در دنیای کنونی که متأسفانه با سرمایه گذاری های دنیای کفر و پول های عربستان سعودی و قطر، سلفی ها و تکفیری ها پر و بال یافته اند.

حجت الاسلام والمسلمین شیخ نجم الدین طبسی

استاد بزرگوار، حجت الاسلام والمسلمین شیخ نجم الدین طبسی هم در جلسه درس خود که در سایت وی نیز آمده است، درباره این زیارت شریف گفته اند: بند بند و کلمه به کلمه زیارت غدیریه امام هادی (علیه السلام) را مطالعه کنید. «السَّلامُ عَلَیْکَ یا دینَ اللّهِ القویمِ و صراطه المستقیم. اشهد انّ الشّاکَّ فیکَ ما آمنَ بالرّسول الامین». از زیارات صحیح است. بند بند و کلمه به کلمه اش را مطالعه کنید. به سندهای معتبر رسیده است. در شرایط سخت امام هادی (علیه السلام) بود. ... این زیارت را بخوانید؛ ثواب آن جای خود [فضایل بسیاری] از فضایل مولا در آن آمده است. کلمه به کلمه اش را مطالعه کنید. «دین الله القویم و صراطه المستقیم» تا می رسد به این که: «انّ الشّاکَّ فیکَ» نه تنها قبول نداشته باشد؛ بلکه تنها شک هم که [در مورد حضرت] بکنند: «ما آمنَ بالرّسول الامین» به رسول امین ایمان نیاورده است.

نگاهی به زیارت غدیریه

به راستی چرا ما از این زیارت با عظمت غافلیم؟ در حالی که این زیارت مشحون از آیات قران کریم است و ۲۰۶ فضیلت از فضایل بیکران قرآن ناطق حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آن وارد شده است.

روایت شده که در هر روز، از راه دور و نزدیک می توان خواند.

زیارت حضرت امیرالمؤمنین، از زیارت پر فضیلت حضرت سید الشهداء (علیه السلام) هم بالاتر است.

جناب شیخ عبّاس قمی در مورد زیارت شریف غدیریه می نویسد: در تمامی زیارات مأثور، زیارتی به این درجه از صحّت و اعتبار و قوّت سند پیدا نمی شود.

*** زیارت غدیریه از نظر اسناد**

جالب است بدانیم در تمامی سلسله سند این زیارت بی نظیر، روایت آن نه تنها عادل و امامی بلکه از اعلام درجه اول شیعه در هر عصر می باشند و سلسله سند آن از طریق نایب خاص اول و سوم حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت امام حسن عسکری و حضرت امام هادی (علیه السلام) می رسد.

بزرگوارانی مانند ابن المشهدی، شاذان بن جبرئیل قمی، عماد الدین طبری، ابوعلی (مفید ثانی)، شیخ الطائفه طوسی، شیخ مفید، ابن قولویه، مرحوم کلینی، علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، حسین بن روح و عثمان بن سعید، نایب خاص اول و سوم حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف). سلسله سند صحیح تا جناب ابن مشهدی هم موجود است.

ضرورت ذکر فضایل حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)

فراموش نکنیم که در روایات عامه و خاصه، امر خاص نبوی (صلی الله علیه و آله) به ذکر فضایل حضرت مولی الموحّدین، امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) داریم؛ مثل اینکه فرموده اند: «زَيْنُوا مَجَالِسَكُمْ بِذِكْرِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»؛ مجالس خود را به ذکر علی بن ابی طالب (علیه السلام) زینت دهید.

این روایت، از عایشه هم در اسناد برادران عامه آمده است.

حضرت سید الشّهدا (علیه السلام) در صحرای عاشورا در مقابل ملعون هایی که به بغض امیرالمؤمنین (علیه السلام) به جنگ با خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دست زده اند هم فضایل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بازگو می فرمایند.

در دعای ندبه هم فضایل متعدّد حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد شده است؛ و می دانیم که: «ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ».



روایات مختلف دیگری از عامه و خاصه در اهمیت ذکر فضایل حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) وارد شده است.

همواره در طول تاریخ، افرادی سعی در کتمان فضایل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را داشته و دارند؛ بزرگواری که دوستان او از ترس و دشمنان از کینه، فضایلش را نگفتند ولی: «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»؛ لذاست که می بینیم این فضایل، مشرق و مغرب عالم را پر کرده است و بسیاری از مخالفان و حتی معاندان به آن اعتراف دارند.

حال که دشمنان حضرت به تبع ابلیس که «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ» را سر داد، چنین تلاشی در پوشاندن فضایل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را داشته و دارند و در این راه از کشتن فرزندان، ویران کردن خانه های خدا و تحریف آیات و روایات خودداری نمی کنند و در شرایطی که در این برهه تاریخ، در سایه حکومت اسلامی ولایت فقیه، امنیت داریم، چرا خود در قبال حق حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) اهمال می کنیم؟.

چرا نزد خود ما هم حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مظلومیت دارند؟.

به راستی چه قدر فرزندانمان را با اهمیت ولایت و اینکه ولایت، شرط قبولی اعمال است، آشنا کرده ایم؟.

در زیارت غدیریه، دریای فضایل بیکران حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) آمده است؛ البته تنها عیدالله الاکبر غدیر نیست؛ انشاءالله باید در مناسبت های دیگر، ذکر فضایل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را هم احیا کنیم و به آن ها اهتمام داشته باشیم.



به نظر می رسد همان طور که علمای اعلام تأکید کرده اند، خطبه غدیر و زیارت شریف غدیره، از بهترین مواردی است که هم سلسله سند بی نظیر شیعی دارد و هم بزرگان شیعه، از ناقلان آن بوده و در عصرهای بعد بر آن تأکید کرده اند و نیز اسناد بسیار در کتب عامه هم دارد.

متأسفانه هر چند عید غدیر را جشن گرفته، در بزرگداشت آن می کوشیم: «وَمَنْ يَعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» اما هنوز عید الله الاکبر غدیر، عید اصلی ما نیست؛ در حالی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را بزرگ ترین عید امت معرفی فرموده اند.

در اعمال عید غدیر هم آمده است که برای بزرگداشت این روز، آن اعمال انجام شود.

آری! امیرالمؤمنین (علیه السلام) به تصریح روایات فریقین؛ صاحب لوآء، برادر، وصی، وزیر، جانشین به حق، فدایی لیله المیبت و بیش از ۸۰ موطن مخوف جنگ، بیشترین یاری کننده، پسر عم، داماد، پدر ذریه، وارث علم، اولین ایمان آورنده، منجر وعده ها، باب مدینه علم، صاحب حوض، محبوب ترین شخص، غاسل و دافن و حجّه، خلیل، سیف، همراه مقام محمود، احیاگر سنت، همشین بهشت، اخص و اقرب الناس، باب علم و به نصّ قرآن کریم؛ جان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستند.

حال چرا عده ای، سعی در جدا کردن این دو نوری دارند که ۴۰۰۰ سال قبل از خلقت حضرت آدم، نور واحدی بوده و خدا را عبادت می کرد؟.

تعارض نداشتن ذکر فضایل حضرت امیرالمؤمنین با مسأله وحدت

نباید فراموش کرد که بیان فضایل و حقانیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با شرایط حساس زمانه که وحدت امت اسلامی را می طلبد، تعارضی ندارد و نباید به بهانه وحدت اسلامی از این امر مهم غفلت کرد.



مقام معظم رهبری - حفظه الله - که منادی وحدت اسلامی هستند، بر واقعه قرآنی غدیر تأکید کرده و خاطر نشان می کنند: حادثه غدیر در نگاه مرحوم علامه امینی - رضوان الله تعالی علیه - صاحب کتاب الغدیر و در نگاه مرحوم شهید مطهری - رضوان الله علیه - وسیله وحدت امت اسلامی است. بعضی گمان نکنند که حادثه غدیر، مایه اختلاف است.

محتوای زیارت غدیر

در ادامه به علت اختصار، تنها مروری کوتاه به محتوای زیارت غدیریه داریم. می توان با یک نگاه اجمالی، زیارت غدیریه را بر سه محور تقسیم کرد که به آن اشاره می شود:

۱. آیات قرآن کریم در زیارت غدیریه

طبق شمارش موجود، ۳۲ آیه شریفه در زیارت غدیریه آمده است که بر محور بیان فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) است؛ از جمله آیه لیله المبيت، آیه ابلاغ و آیه ولایت. علاوه بر آن، به ۴ آیه شریف نیز اشاره شده است.

۲. فضایل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در زیارت غدیریه

بخشی از زیارت غدیریه شریف به بیان فضایل حضرت امیر (علیه السلام) اختصاص دارد. حدود ۲۰۶ فضیلت حضرت در این زیارت آمده است.

فضایلی مانند امیرالمؤمنین، سید الوصیین، وارث علم النبیین، ولی رب العالمین، امین الله فی ارضه، سفیر الله فی خلقه، الحجّه البالغه علی عباد، دین الله القویم، صراط مستقیم، نبأ عظیم، اول من آمن بالله، سید المسلمین، یعسوب المؤمنین، امام المتقین، قائد الغر المحجلین، امام المتقین، اول من صدق بما انزل الله علی نبیه، عبدالله، المخصوص بمدحه الله، المخلص لطاعه الله، اول العابدین، ازهد الزاهدین، الکاظم للغیظ، العافی عن الناس، الصّابر فی البأساء و الضرّاء و حین البأس، العادل فی الرّعیّه، العالم بحدود الله من جمیع البریّه، المخصوص بحکم التّنزیل و حکم التّأویل و نصّ الرّسول (صلی الله علیه و آله)، حائز



درجه الصبر، فآثر بعظیم الاجر، الحجّه البالغه، النعمه السّابغه، البرهان المنیر، احسن الخلق عباده، اخلص الناس زهاده.

این فضایل، سندهای بسیاری در روایات عامّه و خاصه دارند.

۳. بخش هایی از تاریخ در زیارت غدیریّه امام هادی (علیه السلام)

این زیارت، حاوی مطالبی از تاریخ ولایت است؛ از جمله: حدیث غدیر، غصب فدک، جنگ بدر، احزاب، أحد، نزول «السیف الّذوالفقار و لافتی الّا علی»، جنگ حنین، صفین، جمل، نهروان، شهادت جناب عمّار، شهادت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بیزاری از دشمنان ولایت و قاتلان حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) و در آخر زیارت، بیزاری از منکران ولایت و قاتلان حضرت سیدالشهدا (علیه السلام).

خاتمه

در پایان همه فائزین به ولایت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به خواندن زیارت غدیریّه امام هادی (علیه السلام) در مفاتیح الجنان شیخ عبّاس قمی در بخش زیارات، در قسمت زیارت مخصوصه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در عید الله الاکبر غدیر دعوت می کنیم و از تمامی بزرگواران التماس دعا داریم.

متن و ترجمه زیارت غدیریّه امام هادی علیه السلام

السَّلَامُ عَلَي مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَمِينِ اللَّهِ عَلَي وَحْيِهِ وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، وَالْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا سَتُّبِلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَي ذَلِكَ كُلِّهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ وَصَلَوَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ.



سلام بر محمد رسول خدا، خاتم پیامبران و سرور رسولان و برگزیده پروردگار جهانیان، امین خدا بر وحی اش و اراده‌های قطعی الهی و ختم کننده آنچه گذشته و گشاینده آنچه خواهد آمد و نگهدار بر همه این‌ها و رحمت و برکات و درودها و تحیات خدا بر او باد.

السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَمَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَوَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَمَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَسَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ، وَحُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ؛

سلام بر پیامبران خدا و رسولانش و فرشتگان مقرب و بندگان شایسته‌اش. سلام بر تو ای امیرمؤمنان و سرور جانشینان و وارث دانش پیامبران و ولی پروردگار جهانیان و مولای من و مولای مؤمنان و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر تو ای مولای من ای امیرمؤمنان، ای امین خدا بر روی زمینش و سفیر او در آفریده‌هایش و حجت رسایش بر بندگان؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ، وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، آمَنْتَ بِاللَّهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ، وَصَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ مُكَذِّبُونَ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ وَهُمْ مُجْمُونَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

سلام بر تو ای دین برافراشته خدا و راه راستش، سلام بر تو ای خبر بزرگی که آن‌ها در آن اختلاف کردند و از آن بازخواست شوند، سلام بر تو ای امیرمؤمنان، به خدا ایمان آوردی، درحالی که مردم همه شرک می‌ورزیدند و حق را تصدیق کردی وقتی که آنان، آن را تکذیب می‌نمودند و جهاد کردی و آنان از جهاد عقب‌نشینی می‌کردند،



خدا را عبادت کردی، درحالی که برای او عبادت را خالص کردی، صبر کردی و به حساب خدا گذاشتی تا مرگ به سویت آمد، آگاه باشی لعنت خدا بر ستمکاران.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ، وَوَصِيُّهُ، وَوَارِثُ عِلْمِهِ، وَأَمِينُهُ عَلَى شَرْعِهِ، وَخَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ، وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَصَدَّقَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ،

سلام بر تو ای آقای مسلمانان و رئیس دین و پیشوای پرهیزکاران و مقتدای سپیدرویان و رحمت و برکات خدا بر تو باد؛ گواهی می‌دهم که تویی برادر رسول خدا، جانشین و وارث علمش و امین او بر قانونش و جانشین او در امتش و اول کسی که به خدا ایمان آورد و آنچه را بر پیامبرش نازل شده بود تصدیق کرد

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ فِيكَ فَصَدَّعَ بِأَمْرِهِ، وَأَوْجَبَ عَلَى أُمَّتِهِ فَرَضَ طَاعَتِكَ وَوِلَايَتِكَ، وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ، وَجَعَلَكَ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ، ثُمَّ أَشْهَدُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِمْ فَقَالَ: أَلَسْتُ قَدْ بَلَغْتُ؟ فَقَالُوا: اللَّهُمَّ بَلَى. فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَشْهَدُ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً وَحَاكِمًا بَيْنَ الْعِبَادِ، فَلَعَنَ اللَّهُ جَا حِدَ وَوِلَايَتِكَ بَعْدَ الْإِقْرَارِ، وَنَاكَتَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ،

و گواهی می‌دهم که آن حضرت همه آنچه را خدا درباره تو نازل کرد به مردم رساند و امر خدا را درباره تو با صدای بلند اعلام کرد و بر امتش حتمی بودن طاعت و ولایت را واجب نمود و بیعت تو را بر عهده آنان نهاد و حضرتت را نسبت به مؤمنان سزاوارتر از خودشان قرار داد، چنان که خدا خود او را این چنین قرار داد، سپس پیامبر اسلام خدا را بر مردم شاهد گرفت و فرمود: آیا من آن نیستم که رساندم؟ همه گفتند: به خدا آری، پس فرمود: خدایا گواه باش و تو برای گواهی و حاکمیت بین بندگان بسی. پس خدا لعنت کند منکر ولایت را بعد از اقرار و شکننده پیمان را پس از پیمان بستن



وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بَعْدَ اللَّهِ تَعَالَى وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِكَ {وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا} [فتح/۱۰]، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوِلَايَتِكَ التَّنْزِيلُ، وَأَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّتْ وَأَخَاكَ الَّذِينَ تَا جَرْتُمْ اللَّهُ بِنُفُوسِكُمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ:

و گواهی می‌دهم که تو به عهد خدای تعالی وفا کردی و خدای تعالی وفا کننده به عهد خویش برای توست «و آن که به پیمانی که با خدا بسته وفادار است، یقیناً [خداوند] پاداشی بزرگ به او می‌دهد» و گواهی می‌دهم که تویی امیرمؤمنان آن حقی که قرآن به ولایتت گویا شد و رسول خدا در این زمینه برای تو از امت پیمان گرفت و گواهی می‌دهم که تو و عمو و برادرت کسانی هستید که با خدا با جان‌هایتان معامله کردید، پس خدا این آیه را در حق شما نازل کرد:

(إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِيَعْيِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ)، توبه/[[۱۱]]

«مسئلاً خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای این که بهشت برای آنان باشد خریده، [مؤمنانی که] همواره در راه خدا نبرد می‌کنند، [دشمن را] می‌کشند و [خود] کشته می‌شوند، خداوند برعهده خود در تورات و انجیل و قرآن به آنان وعده بهشت داده؛ وعده‌ای ثابت و درست، چه کسی به عهدش از خدا وفادارتر است؟ پس [ای مؤمنان!] به [این] دادوستدی که با خداوند داشته‌اید خوش حال باشید، این است کامیابی بزرگ! [مؤمنان]



همان [توبه‌کنندگان، عبادت‌کنندگان، ستایش‌گران، روزه‌داران، رکوع‌کنندگان، سجده‌کنندگان، آمران به معروف، ناهیان از منکر و پاسداران حدود خداوند اند] و مؤمنان را [به مغفرت و رحمت و بهشت و رضوان] مژده ده!»

أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ، وَأَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرُكَ عَانِدٌ عَنِ
الدِّينِ الْقَوِيمِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَأَكْمَلَهُ بِوِلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمُعْنَى
بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ: { وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ

سَبِيلِهِ } [انعام/۱۵۳] ضَلَّ وَاللَّهِ وَأَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ وَعِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ؛

گواهی می‌دهم ای امیرمؤمنان که شک‌کننده درباره تو به رسول‌امین ایمان نیاورده و اینکه روی‌گرداننده از ولایت تو به ولایت غیر، معاندانه روی‌گردان از دین است، دین میان‌های که پروردگار جهانیان برای ما پسندیده و آن را روز غدیر به ولایت تو کامل نموده است و گواهی می‌دهم که در این گفته خدای عزیز رحیم، مقصود تویی: «و یقیناً این راه مستقیم من است؛ بنابراین از آن پیروی کنید، و پیرو راه‌ها [ی دیگر] نباشید که شما را از راه خدا پراکنده می‌کند»، به خدا سوگند گمراه شد و گمراه کرد کسی که از غیر تو پیروی کرد و کسی که تو را دشمن داشت، از حق روی‌گرداند؛

اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَأَطَعْنَا، وَاتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ، فَاهْدِنَا رَبَّنَا، وَلا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعَمِكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهُوَى مُحَالِفًا، وَ لِلتَّقَى مُحَالِفًا، وَ عَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا، وَ عَنِ النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا، وَإِذَا عُصِيَ اللَّهُ سَاطِئًا، وَإِذَا أُطِيعَ اللَّهُ رَاضِيًا، وَ بِمَا عَاهَدَ إِلَيْكَ عَامِلًا، رَاعِيًا لِمَا اسْتَحَقَّتْ، حَافِظًا لِمَا اسْتُودِعْتَ، مُبْلِغًا مَا حَمَلْتَ، مُنْتَظِرًا مَا

وَعِدْتَ،

خدایا امرت را شنیدیم و اطاعت کردیم و راه راست تو را پیروی نمودیم، پروردگارا ما را هدایت کن و بعد از اینکه ما را به طاعتت هدایت کردی دل‌هایمان را منحرف مساز و ما را از سپاسگزاران نعمت‌هایت قرار ده و گواهی



می‌دهم که تو پیوسته با هوای نفس مخالف و با پرهیزگاری هم‌پیمان و به فرو خوردن خشم توانا و گذشت کننده از مردم و عفو کننده آنان بودی و زمانی که خدا معصیت می‌شود خشمناک و هنگامی که اطاعت می‌شود خشنودی؛ به آنچه خدا با تو پیمان بسته بود عمل کننده بودی و آنچه نگهداری‌اش از تو خواسته شده بود رعایت نمودی و آنچه به تو سپرده شده بود حفظ کردی و آنچه از حق بر عهده‌ات نهاده شده بود رساندی و آنچه را به آن وعده داده شدی به انتظار نشستی

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا، وَلَا أُمْسَكْتَ عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا وَلَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ غَاصِيكَ نَاكِلاً، وَلَا أَظْهَرْتَ الرِّضَى بِخِلَافِ مَا يُرِضِي اللَّهَ مُدَاهِنًا، وَلَا وَهَنْتَ لِمَا صَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا ضَعُفْتَ؛ وَلَا اسْتَكْنْتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ مُرَاقِبًا، مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ، بَلْ إِذْ ظَلِمْتَ احْتَسَبْتَ رَبَّكَ، وَفَوَّضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ، وَذَكَرْتَهُمْ فَمَا ذَكَرُوا وَوَعظْتَهُمْ فَمَا اتَّعظُوا، وَخَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَمَا تَخَوَّفُوا،

و گواهی می‌دهم که از روی زبونی محافظه‌کاری نکردی و در اثر بی‌تابی و عجز از گرفتن حقت باز نایستادی و به خاطر ترس و وحشت، از پیکار با غاصبان ولایتت قدم به عقب نگذاشتی و به علّت سستی بر خلاف آنچه خدا را خشنود می‌کند اظهار خشنودی ننموده و برای آنچه در راه خدا به تو در رسیده سست نشدی؛ و به خاطر ترس و زبونی از خواستن حقت ناتوان و درمانده نگشتی، پناه به خدا از اینکه چنین باشی، بلکه زمانی که مورد ستم واقع شدی به حساب پروردگارت گذاشتی و کارت را به او واگذار کردی و ستمکاران را پند دادی ولی نپذیرفتند و اندرز دادی ولی قبول نکردند و آنان را از خدا ترساندی، ولی نترسیدند

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ وَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَالزَّمَّ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ إِيَّاكَ، لِتَكُونَ الْحُجَّةَ لَكَ عَلَيْهِمْ، مَعَ مَالِكٍ مِنَ الْحُجَّجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ؛



و گواهی می‌دهم که تو ای امیرمؤمنان در راه خدا آن‌گونه که شایسته جهاد بود جهاد کردی تا اینکه خدا تو را به جوارش فرا خواند و به اختیارش تو را به جانب خود قبض روح کرد و حجت را بر دشمنان با به قتل رساندن تو همراه کرد، تا حجت به سود تو و بر زیان آنان باشد، همراه با آنچه برای تو بود از حجت‌های رسا بر همه آفریده‌های او؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَبْدَتَ اللَّهِ مُخْلِصًا وَجَاهِدَتَ فِي اللَّهِ صَابِرًا وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ
مُحْتَسِبًا وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ
نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ، مُبْتَغِيًا مَا عِنْدَ اللَّهِ، رَاغِبًا فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ لَا تَحْفَلُ بِالنَّوَائِبِ، وَلَا تَهِنُ
عِنْدَ الشَّدَائِدِ؛ وَلَا تَحْجُمُ عَنْ مُحَارِبٍ،

سلام بر تو ای امیر مؤمنان، خدا را خالصانه عبادت کردی و صابرانه در راه خدا جهاد نمودی و به حساب خدا جانبازی کردی و به کتابش عمل نمودی و روش پیامبرش را پیروی کردی و نماز را بپا داشتی و زکات را پرداختی و به معروف امر کردی و تا توانستی از منکر نهی نمودی، طالب بودی آنچه را نزد خداست، مشتاق بودی در آنچه خدا وعده داد، کاسه صبرت از پیش آمدها لبریز نشد و هنگام سختی‌ها سست نگشتی؛ از برابر هیچ جنگجویی بازنگشتی،

أَفْكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ إِلَيْكَ، وَافْتَرَى بَاطِلًا عَلَيْكَ، وَأَوْلَى لِمَنْ عِنْدَ عَنَّا، لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي
اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى صَبْرًا حَسَابٍ، وَأَنْتَ أَوْلَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ، وَصَلَّى لَهُ وَجَاهَدَ
وَأَبْدَى صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشَّرِّ، وَالْأَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلَالَةً، وَالشَّيْطَانُ يُعْبَدُ جَهْرَةً وَأَنْتَ الْقَائِلُ:
لَا تَزِيدُنِي كَثْرَةَ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً، وَلَا تَفْرُقُهُمْ عَنِّي وَحُشَّةً، وَلَوْ أَسْلَمَنِي النَّاسُ جَمِيعًا، لَمْ أَكُنْ
مُتَضَرِّعًا؛



آنکه غیر این امور را به تو نسبت داد تهمت زد و به باطل بر تو دروغ بست و مرگ بر کسی که با اصرار بر مخالفت با تو از تو روی گرداند، به راستی در راه خدا آن گونه که شایسته جهاد بود جهاد کردی و بر آزار مردم به نیکی صبر کردی صبری به حساب خدا، تویی اول کسی که به خدا ایمان آوردی و برای او نماز خواندی و جهاد کردی و خود را در خانه شرک برای حق آشکار نمودی، در حالی که زمین انباشته به گمراهی بود و شیطان آشکارا عبادت می‌شد و تویی گوینده این سخن: کثرت مردم در پیرامونم عزتی به من نیفزاید و پراکنده شدنشان ترسی به من اضافه نکند، اگر همه مردم از من دست بردارند، نالان نشوم،

اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ فَعَزَزْتُ وَآثَرْتُ الْآخِرَةَ عَلَى الْأُولَى فَزَهَدْتُ، وَأَيَّدَكَ اللَّهُ وَهَدَاكَ وَأَخْلَصَكَ وَاجْتَبَاكَ، فَمَا تَنَاقَصْتُ أفعالِكَ وَلَا اخْتَلَفْتُ أَقْوَالَكَ، وَلَا تَقَلَّبْتُ أَحْوَالَكَ وَلَا ادَّعَيْتَ وَلَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، وَلَا شَرِهْتَ إِلَى الْحُطَامِ وَلَا دَنْسَكَ الْأَثَامُ وَلَمْ تَزَلْ عَلَى بَيْتِنَا مِنْ رَبِّكَ وَيَقِينٍ مِنْ أَمْرِكَ تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ أَشْهَدُ شَهَادَةَ حَقٍّ وَأُقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمٍ صَدَقَ أَنَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ الْخَلْقِ، وَأَنْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ؛

پناهنده به خدا شدی و عزت یافتی، آخرت را بر دنیا برگزیدی و پارسا گشتی، خدا حمایتت کرد و راهنماییات فرمود و در گردونه خلوص قرار داد و تو را برگزید، کردارهایت ضد و نقیض نشد، گفتارهایت اختلاف نیافت، حالاتت زیر و رو نگشت، ادعای بیهوده نکردی و بر خدا دروغ نبستی و به متاع اندک دنیا طمع نورزیدی، گناهان تو را آلوده نساخت، همواره امورت بر پایه برهانی از سوی پروردگارت بود، در کارت بر یقین بودی، به سوی حق و راه مستقیم هدایت می‌نمودی، گواهی می‌دهم گواهی راست و درست و سوگند می‌خورم سوگند صدق که محمد و خاندانش (درود خدا بر آنان باد) سروران آفریده‌هایند و اینکه تو مولای من و مولای همه مؤمنانی؛

وَأَنْتَ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيُّهُ وَأَخُو الرَّسُولِ وَوَصِيُّهُ وَوَارِثُهُ وَأَنَّ الْقَائِلُ لَكَ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِي مِنْ كَفَرِيكَ، وَلَا أَقْرَبَ بِاللَّهِ مِنْ جَحْدِكَ وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَلَا إِلَيَّ مِنْ لَا



يَهْتَدِي بِكَ وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ: { وَ إِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ

اهْتَدَى } [طه/۸۲] إِلَى وِلَايَتِكَ.

تو بنده خدا و ولی او و برادر پیامبر و جانشین و وارث او هستی و او گوینده‌ی این سخن به حضرت توست: سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت به من ایمان نیاورد آن که به تو کافر شد و به خدا اقرار ننمود آن که به انکار تو برخاست، گمراه شد کسی که مردم را از تو بازداشت و به سوی خدا و به سوی من راه نیافت و این گفتار پروردگار عزوجل من است: «یقیناً من آمرزنده‌ی کسی هستم که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام داده، سپس به سوی ولایت تو هدایت یافت.»

مَوْلَايَ فَضْلِكَ لَا يَنْفِي، وَ نُورِكَ لَا يُطْفَأُ، وَ أَنَّ مَنْ جَحَدَكَ الظُّلُومُ الْأَشْقَى؛ مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى
الْعِبَادِ وَ الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ وَ الْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الْأُولَى مَنْزِلَتَكَ وَ أَعْلَى فِي
الْآخِرَةِ دَرَجَتَكَ وَ بَصْرَكَ مَا عَمِيَ عَلَى مَنْ خَالَفَكَ وَ حَالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ؛ فَلَعَنَ اللَّهُ
مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ، وَ ذَائِدِي الْحَقِّ عَنْكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ، الَّذِينَ تَلَفَحُوا وَجُوهَهُمُ النَّارَ وَ
هُمْ فِيهَا كَالْحُونَ،

مولای من احسان تو پنهان نیست و نورت خاموش نگردد و آن که تو را انکار کند ستمکار و بدبخت است، مولای من تو حجت بر بندگانی و راهنمای به سوی راه راستی و ذخیره روز معادی، مولای من خدا مقامت را در دنیا بلند کرد و درجات را در آخرت والا گردانید و بینایت نمود به آنچه بر کسی که با تو مخالفت کرد پوشیده ماند و بین تو و نعمت‌های خدادادی به تو حجاب شد؛ لعنت خدا بر حلال شمارندگان حرمتت و دفع‌کنندگان حقت و گواهی می‌دهم که آنان از زیانکارترین مردمی هستند که آتش، چهره آنان را می‌سوزاند و در میان دوزخ، زشت و عبوس هستند



وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَلَا أَجْحَمْتَ وَلَا نَطَقْتَ وَلَا أُمْسَكْتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ؛ قُلْتَ: وَ
 الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَمَا، فَقَالَ: يَا
 عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَأَعْلَمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَحَيَاتِكَ مَعِي،
 وَعَلَى سُنَّتِي فَوَاللَّهِ مَا كَذَبْتُ وَلَا كَذِبْتُ وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي، وَلَا نَسِيتُ مَا عَاهَدَ إِلَيَّ رَبِّي، وَ
 إِنِّي لَعَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّي بَيْنَهُمَا النَّبِيُّ لِي، وَإِنِّي لَعَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ الْفِظْهُ لَفِظًا صَدَقْتُ،
 وَاللَّهِ وَقُلْتُ الْحَقَّ؛

و گواهی می‌دهم که اقدام نکردی و قدم به عقب نگذاشتی و سخن نگفتی و باز نایستادی مگر به فرمان خدا و رسولش. خودت فرمودی: سوگند به آن که جانم در دست اوست، رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) به من نظر کرد، درحالی که پیش قدمانه شمشیر می‌زد، ایشان به من فرمود: ای علی تو نسبت به من به منزله هارونی نسبت به موسی، جز اینکه بعد از من پیغمبری نیست و من تو را خبر می‌دهم که مرگ و زندگی تو با من و بر اساس راه و رسم من است، به خدا سوگند دروغ نگفتم و به من دروغ گفته نشد و گمراه نشدم و کسی به وسیله من گمراه نشده و آنچه را پروردگارم با من عهد کرده فراموش نکردم، من بر برهانی از سوی پروردگارم هستم که برای پیامبرش بیان نموده و پیامبر نیز برای من بیان داشته و من به راستی بر راه روشن هستم که آن را صریح می‌گویم با صراحت تمام، ای امیرمؤمنان به خدا سوگند راست گفتمی و حق گفتمی؛

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ، وَاللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ: (هَلْ يُسْتَوَى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ) [زمر/۹] فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مِنْ فَرَضِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَا يَتَّكَ، وَأَنْتَ وَلِيُّ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ، وَالذَّابُّ عَنْ دِينِهِ وَالَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَفَضَّلَ اللَّهُ



الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا

رَحِيمًا [نساء/۹۵]

پس خدا لعنت کند کسی که تو را با آن که با تو دشمنی کرد، برابر قرار داد درحالی که خدا می فرماید: «آیا کسانی که معرفت [به حقایق] دارند با کسانی که تهی از معرفتند یکسانند؟» پس خدا لعنت کند کسی را که مساوی تو قرار داد، آن کس را که خدا ولایت را بر او واجب کرد و حال اینکه تو ولی خدایی و برادر رسول خدایی و دفاع کننده از دین خدایی و کسی هستی که قرآن به برتری اش گویاست، خدای تعالی فرمود: «و جهادکنندگان را بر خانه نشینان [بی عذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است؛ [آن پاداش بزرگ] رتبه‌هایی از سوی خدا [است] و [آنان را به] آمرزشی [ویژه می‌آمزد] و [به] رحمتی [خاص مورد رحمت قرار می‌دهد]؛ خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است.»

و قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ، وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ، خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ) [توبه/۱۹]

و خدای تعالی فرمود: «آیا آبدادن به حاجیان، و آباد کردن مسجد الحرام را [از نظر ارزش] مانند [عمل] کسی قرار داده‌اید که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد و در راه خدا جهاد کرده است؟ [ارزش این دو] نزد خداوند یکسان نیست؛ خداوند مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند؛ آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند مقامشان در پیشگاه خداوند والاتر است و اینان کامیابند؛ پروردگارش آنان را از نزد خود به رحمتی ویژه و خشنودی و بهشت‌هایی که در آن‌ها نعمت‌های فراوان و ابدی است مژده می‌دهد؛ در آن‌جا همواره جاودانه‌اند، همانا خداست که پاداشی بزرگ نزد اوست.»



أَشْهَدُ أَنَّكَ الْخُصُوصُ بِمِدْحَةِ اللَّهِ الْمُخْلِصِ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ، لَمْ تَبْغِ بِالْهُدَى بَدَلًا وَلَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ أَحَدًا وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَبِكَ دَعْوَتِهِ ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ إِعْلَاءً لِشَأْنِكَ وَإِعْلَانًا لِبُرْهَانِكَ، وَدَحْضًا لِلْبَاطِلِ وَقَطْعًا لِلْمَعَاذِيرِ فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ، وَاتَّقَى فِيكَ الْمُنَافِقِينَ أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ، بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) [مائده/ ۶۷]

گواهی می‌دهم که تو به ستایش خدا مخصوص گشته‌ای و مخلص در طاعت خدایی، برای هدایت جایگزینی نجستی و در بندگی پروردگارت احدی را شریک نساختی، خدای تعالی دعای پیامبرش (درود خدا بر او و خاندانش) را در حق تو اجابت کرد، سپس اظهار آنچه تو را سزاوار حکومت بر ملتش کرده بود به او فرمان داد، برای بالا بردن شأنت و علنی ساختن برهانت و دفع باطل‌ها و بریدن بهانه‌ها، پس زمانی که از آشوب اهل فسق بیمناک شد و درباره تو در برابر منافقان محافظه‌کاری کرد، پروردگار جهانیان به او وحی کرد: ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت [درباره معرفی علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) به مقام ولایت و امامت بر امت] بر تو نازل شده ابلاغ کن! اگر انجام ندهی پیام خدا را به مردم نرسانده‌ای! خداوند تو را از [گزند] مردم حفظ می‌کند؛

فَوَضَعَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْزَارَ الْمَسِيرِ، وَنَهَضَ فِي رَمَضَاءِ الْهَجْرِ فُحْطَبَ، وَأَسْمَعَ وَنَادَى فَأَبْلَغَ ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعُ فَقَالَ هَلْ بَلَّغْتُ فَقَالُوا: اللَّهُمَّ بَلَى فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَشْهَدُ ثُمَّ قَالَ: أَلَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا بَلَى فَأَخَذَ بِيَدِكَ وَقَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ».

پس او بارهای سنگین سفر را بر دوش جان نهاد و در حرارت شدید نیمه روز برخاست، سخنرانی کرد و شنوایان فریاد زد، پس پیام حق را رساند، سپس از همه آن‌ها پرسید: آیا رساندم؟ گفتند: به خدا قسم آری. فرمود: خدایا شاهد باش؛ سپس به مردم خطاب کرد: آیا من آن نیستم که به مؤمنان از خود آنان سزاوارترم؟ گفتند: آری، پس



دست تو را گرفت و فرمود: هر که من مولای اویم، پس این علی مولای اوست، خدایا دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد و یاری کن کسی را که یاری‌اش کند و خوار کن هر که خوارش سازد؛

فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَى نَبِيِّهِ، إِلَّا قَلِيلٌ وَلَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَحْسِيرٍ وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَهُمْ كَارِهِونَ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ، وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ، يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ، ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ، إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ، وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ) [مائده/۵۴] (رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ) [آل عمران/۵۳] (رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ) [آل عمران/۸]

پس به آنچه خدا درباره تو بر پیامبرش نازل کرد، ایمان نیاورد جز عده‌ای اندک و اکثرشان را نیفزود جز زیانکاری، پیش از آن نیز خدا در حق تو این آیه را نازل کرد درحالی که آنان دوست نداشتند: «ای مؤمنان! هر کس از شما از دین خود برگردد [او به آیین‌های ضد اسلام روی آورد زیانی به خدا و پیامبر نمی‌رساند]، خداوند به زودی گروهی را می‌آورد که محبوب خدایند و خداوند هم محبوب آنان است، در برابر مؤمنان فروتنند و در برابر کافران سرسخت [و قدرتمند]، همواره در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌هراسند، این احسان خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد؛ خداوند بسیار عطاکننده و داناست؛ سرپرست و دوست واقعی شما فقط خدا و پیامبر اوست و نیز مؤمنانی [چون علی بن ابی‌طالب علیه السلام] که همواره نماز را [با شرایط ویژه‌اش] برپا می‌دارند و در حال رکوع به تهیدستان صدقه می‌دهند و آنان که خدا و پیامبرش و مؤمنانی [چون امامان معصوم علیهم السلام] را به سرپرستی و دوستی بپذیرند [حزب خدایند و] مسلماً حزب خدا فقط



«همه جا و در هر زمان [پیروزند] «پروردگارا! به آنچه [از نزد خود برای هدایت ما] نازل کردی ایمان آوردیم و از این پیامبر [یعنی عیسی مسیح] پیروی کردیم، پس ما را در زمره گواهی دهندگان [به صدق نبوت عیسی و برحق بودن کتاب‌های آسمانی] بنویس!» «[اینان می‌گویند:] پروردگارا! دل‌هایمان را پس از آن که هدایت‌مان کردی منحرف مکن! و از سوی خود رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا تو بسیار بخشنده‌ای.»

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَالْعَنُ مَنْ عَارَضَهُ وَاسْتَكْبَرَ وَكَذَّبَ بِهِ وَكَفَرَ، (وَسَيَعْلَمُ
الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيْ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ) [شعراء/ ۲۲۷]

پروردگارا به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را با گواهان بنویس. پروردگارا دل‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان کردی منحرف مساز و به ما از نزد خود رحمتی ببخش که تو بسیار بخشنده‌ای، خدایا ما می‌دانیم که این گفتار از نزد تو حق است، پس لعنت کن کسی را که با آن معارضه کرد و به آن کبر ورزید و آن را تکذیب کرد و کافر شد و به زودی آنان که ستم کردند خواهند دانست به چه بازگشت‌گاهی باز خواهند گشت؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَأَوْلَ الْعَابِدِينَ، وَأَزْهَدَ الزَّاهِدِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَ
بَرَكَاتِهِ، وَصَلَوَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ؛ أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ، مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرَ الْوَجْهِ اللَّهِ، لَا تُرِيدُ
مِنْهُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا، وَفِيكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ، وَ
مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) [حشر/ ۹]

سلام بر تو ای امیرمؤمنان و سرور جانشینان و رأس عبادت‌کنندگان و پارساترین پارسایان و رحمت خدا و برکات و درودها و تحیاتش بر تو باد، تویی خوراننده طعام در حال دوست داشتن آن، به درمانده و یتیم و اسیر، تنها به خاطر خشنودی خدا که از آن‌ها پاداش و سپاسی نمی‌خواستی و خدای تعالی در حق تو چنین گفت: «و [آنان را در امور معیشت] بر خود ترجیح می‌دهند گرچه خودشان را نیاز شدیدی باشد و کسانی که از بخل و حرصشان مصون داشته‌اند [بر همه موانع راه سعادت] پیروزند»

وَأَنْتَ الْكَاطِمُ لَلْغَيْظِ، وَالْعَافِي عَنِ النَّاسِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ، وَأَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبُأْسَاءِ وَ
 الضَّرَّاءِ، وَحِينَ الْبُأْسِ وَأَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ، وَالْعَادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ، وَالْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ
 الْبَرِيَّةِ، وَاللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ: (أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ؟!)
 أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى، نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ [سجده/ ۱۸]

تویی فرو برنده خشم و گذشت کننده از مردم و خدا نیکوکاران را دوست دارد، تویی صبرکننده در تنگدستی و
 پریشان حالی و به هنگام جنگ، تویی بخش کننده به برابری و دادگر در میان ملت و آگاه به مقررات خدا، از
 میان همه انسان‌ها، خدای تعالی خبر داد از آنچه تو را از فضلش انتخاب کرده به گفته‌اش: [با توجه به این
 حقیقت] آیا مؤمنان [اهل عبادت] مانند کسانی هستند که منحرف و نافرمانند؟ [نه، هرگز این دو گروه] مساوی
 نیستند؛ اما برای کسانی که مؤمنند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بهشت‌ها و اقامتگاه دائمی است که به آنان
 به پاداش اعمالی که همواره انجام می‌دادند پیش کش می‌شود؛

وَأَنْتَ لِلْخُصُوصِ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ، وَحُكْمِ التَّأْوِيلِ، وَنَصِّ الرَّسُولِ، وَلِكَ الْمَوَاقِفِ الْمُشْهُودَةِ، وَالْمَقَامَاتِ
 الْمُشْهُورَةِ، وَالْأَيَّامِ الْمَذْكُورَةِ، يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْأَحْزَابِ، (إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ، وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ
 الْحَنَاجِرَ، وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا؛ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ، وَزُلْزِلُوا زُلُزَالًا شَدِيدًا؛ وَإِذْ يَقُولُ
 الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ، مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا؛ وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ: يَا
 أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا، وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ: إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ
 بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا) [احزاب/ ۱۰]

و تویی اختصاص یافته به علم قرآن و حکم تأویل و صریح گفتار پیامبر و تورااست موقعیت‌های گواهی شده و
 مقامات مشهود و روزهای یاد شده، روز بدر و روز احزاب «و در آن حال چشم‌ها [از شدت ترس] خیره شد و



جان‌ها به گلو رسید و به خداوند [در مورد وعده‌هایش] گمان‌ها [ای ناروا] می‌بردید؛ آن‌جا بود که مؤمنان [در برابر هجوم احزاب متحد] مورد آزمایش قرار گرفتند و [نهایتاً] به اضطرابی سخت دچار شدند؛ [در] همان زمان [بود] که منافقان و آنان که در دل‌هایشان بیماری شدید [ضعف اعتقاد و سستی اعتماد به خدا] وجود داشت می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز بر پایه فریب به ما وعده [پیروزی] نداده‌اند؛ [در] آن هنگامه [بود] که گروهی از آنان گفتند: ای اهل مدینه! [میدان نبرد] جای درنگ و ماندن شما نیست، پس [به مدینه] بازگردید! و گروهی [دیگر] از پیامبر اجازه [بازگشت به مدینه] می‌خواستند [و بهانه آنان این بود که] می‌گفتند: خانه‌های ما بدون حفاظ است [و به این سبب در معرض خطر قرار دارد]؛ درحالی‌که بدون حفاظ نبود و آنان قصدی جز فرار [از جبهه] نداشتند»؛

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا: هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا)، [احزاب/۲۲] فَكَتَلَتْ عَمْرُهُمْ، وَهَزَمَتْ جَمْعَهُمْ، (وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغِيظِهِمْ لَمَّا نَالُوا خَيْرًا، وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ، وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا) [احزاب/۲۵]

و خدای تعالی فرمود: «چون مؤمنان، احزاب [متحد] را [در میدان جنگ خندق] دیدند گفتند: این همان [جنگی] است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند [که در صورت استقامت و پشت‌نکردن به آن، از پیروزی و ثواب عظیمش بهره‌مند خواهیم شد] و خدا و پیامبرش [به ما] وعده راست و درست داده‌اند؛ و [دیدن احزاب متحد با هم] جز بر ایمان و تسلیمشان [نسبت به خدا و رسول] نیفزود»؛ پس «عمرو» قهرمان آن‌ها را کشتی و جمع آنان را فراری دادی، «و خداوند کافران [شرکت‌کننده در جنگ خندق] را درحالی‌که به هیچ خیری [از پیروزی و غنیمت] دست نیافتند با [درون آکنده از] خشمشان [از اطراف مدینه به مناطقشان] برگرداند و مومنان را از [سختی و مشقت] جنگ نجات داد؛ خداوند همواره نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.»

وَيَوْمَ أُحُدٍ (إِذْ يُضْعَدُونَ وَلَا يُلُوءُونَ عَلَى أَحَدٍ، وَالرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فِي أُخْرَاهُمْ) [آل عمران/۱۵۳] وَأَنْتَ تَدُودُ بِهِمُ الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ، ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَالِ، حَتَّى رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكَ مَا خَائِفِينَ، وَنَصْرَبَكَ الْخَازِلِينَ،



«[به یاد آرید] زمانی که [از میدان جنگ تا مرز پنهان شدن از دیده‌ها] دور می‌شدید و به هیچ‌کس توجه نداشتید در حالی که پیامبر [که پاسخ به دعوتش واجب است] شما را از پشت سرتان [برای دفاع از حق و عقب‌راندن دشمن] فرامی‌خواند [و شما جواب نمی‌دادید]»، تو بودی که مشرکان را برای حفظ پیامبر به راست و چپ دفع می‌کردی تا خدا گزند آنان را در حالی که ترسان بودند از شما دو بزرگوار برگرداند و شکست‌خوردگان را به وسیله تو یاری کرد

وَيَوْمَ حُنَيْنٍ عَلَىٰ مَآنِطِقٍ بِهِ التَّنْزِيلُ: (إِذْ أَعْجَبْتُكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا، وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ، ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ) [توبه/۲۵]؛ وَالْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ، وَعَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُنَادِي الْمُنْهَزِمِينَ: يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقْرَةِ، يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ، حَتَّى اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمُتُونَةَ، وَتَكَفَّلَتْ دُونَهُمُ الْمُعُونَةَ، فَعَادُوا آيِسِينَ مِنَ الْمُتُونَةِ، رَاجِحِينَ وَعَدَّ اللَّهُ تَعَالَىٰ بِالتَّوْبَةِ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: (ثُمَّ يُتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ) [توبه/۲۷] وَأَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ، فَانْزِبْ عَظِيمَ

الأجر،

و روز حنین، بنا بر آنچه قرآن در این آیه به آن گویا شد: «زمانی که فزونی افرادتان شما را مغرور و شگفت‌زده کرد، ولی فزونی افراد، چیزی [از خطر] را از شما برطرف نکرد و زمین با همه فراخی‌اش بر شما تنگ شد، آن‌گاه پشت‌گنان از عرصه نبرد گریختید؛ سپس خداوند [نعمت] آرامش خود را بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد»، «مؤمنان» تو بودی و همراهانت و عمویت عباس [که] شکست‌خوردگان را صدا می‌زد: ای اصحاب سوره بقره، ای اهل بیعت شجره تا جماعتی به او پاسخ دادند که تو رنج آن‌ها را کفایت کردی و به جای آن‌ها کمک را عهده‌دار شدی، پس نومید از پاداش برگشتند و امیدوار به وعده خدای تعالی به سبب توبه و این است سخن خدا که عظیم باد یادش: «آن‌گاه خداوند بعد از این [گناه فرار از جبهه]، توبه هرکس را بخواهد می‌پذیرد»، در حالی که تو درجه صبر را به دست آوردی و به مزد بزرگ پیروز شدی



وَيَوْمَ خَيْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُنَافِقِينَ، وَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ (وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الدُّبَارَ، وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا [احزاب/ ۱۵])

و روز خیبر که خدا شکست منافقان را آشکار کرد و دنباله کافران را برید و خدا را سپاس پروردگار جهانیان، «با این که پیش از این [در معرکه اُحد] با خداوند پیمان بسته بودند که [از جنگ] نگریزند، [اکنون یقین داشته باشند که] پیمان با خداوند همواره مورد بازخواست خواهد بود»؛

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ، وَالْمَحْجَةُ الْوَاضِحَةُ، وَالنَّعْمَةُ السَّابِغَةُ، وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ، فَهَيْدَأَلَّكَ بِمَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَتَبَالِشَانِيكَ ذِي الْجَهْلِ، شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَ مَغَازِيهِ، تَحْمِلُ الرِّايَةَ أَمَامَهُ، وَتَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قَدَامَهُ، ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ، وَبَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ، أَمْرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَلَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ أَمِيرٌ،

مولای من تویی حجت رسا و راه روشن و نعمت کامل و برهان تابناک، پس گوارا باد تو را، آنچه خدا از برتری به تو داد و نابود باد دشمن نادانت، با پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش) در تمام جنگ‌ها و لشکرکشی‌هایش حاضر بودی، پیشاپیش او پرچم اسلام را به دوش می‌کشیدی و در برابرش شمشیر می‌زدی، سپس تنها برای تدبیر و کاردانی مشهودت و بینایی‌ات در امور، در تمام میدان‌ها تو را به فرماندهی می‌گماشت و امیری بر تو نبود،

وَكَمْ مِنْ أَمْرِ صَدَّكَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّقَى، وَاتَّبَعَ غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ الْهُوَى، فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ انْتَهَى، ضَلَّ وَاللَّهِ الطَّانُ لِدَلِكْ وَمَا اهْتَدَى، وَلَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمْ وَأَمْتَرِي، بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ: «قَدِيرِي الْحَوْلُ الْقَلْبُ وَجَهَ الْحَيْلَةَ، وَدُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ، فَيَدْعُهَا رَأْيَ الْعَيْنِ، وَيَنْتَهِزُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيحَةَ لَهُ فِي الدِّينِ»؛



چه بسیار کارهایی که تقوا مانع اجرای تصمیمت در آنها شد، اما غیر تو در مثل آن از هوای نفس پیروی کرد، پس نادانان گمان کردند که تو از آنچه او به آن رسید عاجز شدی، به خدا قسم گمان کننده این چنین گمراه شد و راه نیافت و تو واضح ساختی آنچه از این امور مشکل شده بود، برای آن که توهم و تردید کرد به گفتارت، درود خدا بر تو که فرمودی: گاهی انسان زبردست و چیره روی چاره را می بیند، ولی در برابرش پرده ای از تقوای خداست، در نتیجه روی چاره را آشکارا رها می کند، ولی فرصت آن را غنیمت می داند کسی که در امر دین باکی ندارد؛

صَدَقْتَ وَاللَّهِ، وَخَسِرَ الْبُطْلُونَ، وَإِذْ مَا كَرَّكَ النَّاسِكُ ثَانَ فَقَالَ، نُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَقُلْتَ لَهُمَا:
 «لَعَمْرُكُمْ مَا تُرِيدَانِ الْعُمْرَةَ، لَكِنْ تُرِيدَانِ الْغُدْرَةَ»، فَأَخَذْتَ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا، وَجَدَدْتَ الْمِيثَاقَ فَجَدَا
 فِي النِّفَاقِ، فَلَمَّا نَبَهْتَهُمَا عَلَى فِعْلِهِمَا، أَغْفَلَا وَعَادَا وَمَا انْتَفَعَا، وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرًا؛

به خدا سوگند راست گفתי و یاهو سرایان دچار زیان شدند، هنگامی که آن دو عهدشکن [طلحه و زبیر] با تو به فریبکاری برخاستند و گفتند قصد عمره داریم، به آنان گفתי: به جان خودتان قسم قصد عمره ندارید، بلکه قصد خیانت دارید، در نتیجه از آن دو نفر بیعت گرفتی و پیمان را محکم کردی، پس در نفاق کوشیدند، زمانی که بر کار نادرستان آگاهشان کردی، بی توجهی کردند و به کار خویش بازگشتند، ولی بهره مند نشدند و سرانجام کار هر دو خسران شد؛

ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ، فَسِرَتْ إِلَيْهِمْ بَعْدَ الْإِعْذَارِ، وَهُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ، وَلَا يَتَدَبَّرُونَ
 الْقُرْآنَ، هَمَجٌ رِعَاعٌ ضَالُّونَ، وَبِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ فِيكَ كَافِرُونَ، وَلِأَهْلِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ
 نَاصِرُونَ، وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ، وَنَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَصْرِكَ وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا، اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) [توبه/۱۱۹]

سپس اهل شام خیانت آن دو را دنبال کردند و تو پس از بستن راه عذر بر آنان به سويشان حرکت کردی، ولی آنها به دین حق گردن نهادند و در قرآن تدبّر نمودند، بی خردان پست و گمراهان ناجوانمرد، به آنچه در حق



تو بر محمد نازل شده بود کافرند و نسبت به مخالفان ضدّ تو یاری دهنده‌اند، درحالی که خدا به پیروی از تو امر کرد و مؤمنان را به یاری تو فرا خواند و فرمود خدای عزوجل: ای اهل ایمان! از خداوند اطاعت کرده و از محرّماتش بپرهیزید و با صادقان [که انبیاء و اهل بیت (علیهم السلام) و اولیای خاص خداوند] همراه باشید!

مَوْلَايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَقَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ، وَأَوْضَحْتَ السُّنَنَ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَالطَّمْسِ، فَلَكَ سَابِقَةُ
الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ؛ وَلَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ التَّأْوِيلِ،

مولای من حق بر تو نمایان شد، درحالی که مردم آن را به یک سو انداختند و تو روش‌های دینی را پس از کهنگی و نابودی آشکار ساختی، تورا ست پیشینه جهاد بر پایه تصدیق به قرآن و تورا ست فضیلت جهاد بر پایه تحقق تأویل

وَعَدْوُكَ عَدُوَّ اللَّهِ، جَا حِدْ لِرَسُولِ اللَّهِ، يَدْعُو بَاطِلًا وَيَحْكُمُ جَائِرًا، وَيَتَأَمَّرُ غَاصِبًا وَيَدْعُو حِزْبَهُ
إِلَى النَّارِ وَعَمَّارٌ مُجَاهِدٌ وَيُنَادِي بَيْنَ الصَّفَيْنِ: الرَّوَاحِ الرَّوَاحِ إِلَى الْجَنَّةِ، وَلَمَّا اسْتَسْقَى فَسْقَى اللَّبْنَ،
كَبُرَ وَقَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضِيَا حُ مِنْ لَبَنٍ وَتَقْتُلُكَ
الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ؛ فَأَعْتَرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ،

و دشمن تو دشمن خدا و انکارکننده رسول خدا است، دعوت می کند دعوت باطل، حکومت می کند ستمکارانه، فرمان می دهد غاصبانه، دار و دسته اش را به دوزخ می خواند، درحالی که عمّار جهاد می کرد و میان دو لشکر فریاد می زد: کوچ کنید، کوچ کنید به سوی بهشت و زمانی که آب خواست، با شیر سیراب شد و تکبیر زد و گفت: رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) به من فرمود: آخرین نوشیدنی ات از دنیا مخلوطی است از شیر و تو را گروه متجاوز به قتل می رساند؛ پس ابوالعادیة فزاری راه را بر عمّار گرفت و او را کشت،

فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ، وَلَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ، وَعَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ، وَ
سَلَّتْ سَيْفَكَ عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَعَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا

سَاءَكَ وَلَمْ يَكْرِهْهُ، وَأَغْمَضَ عَيْنَهُ وَلَمْ يُنْكِرْ، وَأُوعَانَ عَلَيْكَ يَدِ أَوْ لِسَانٍ، أَوْ قَعَدَ عَنْ
نَصْرِكَ، أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ، أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ، وَجَدَّ حَقَّكَ، أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ
أَوْلَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ، وَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَسَلَامُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، وَعَلَى الْأُمَّةِ
مِنَ آلِكَ الطَّاهِرِينَ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ؛

بر ابوالعادیه لعنت خدا و لعنت فرشتگان خدا و همه پیامبران و لعنت بر کسی که شمشیر به روی تو کشید و تو
به روی او شمشیر کشیدی ای امیرمؤمنان، از مشرکان و منافقان تا روز قیامت و بر آن که خشنود شد به آنچه تو
را غمگین ساخت و غم تو او را ناخوش نداشت و دیده برهم نهاد و بی تفاوت گذشت و علت و عاملش را انکار
نکرد یا ضد تو به دست و زبان کمک کرد یا از یاریات دست کشید یا از جهاد نمودن به همراه تو، کناره گیری
کرد یا فضل تو را کوچک شمرد و حقت را انکار کرد یا با تو برابر نمود کسی را که خدا قرار داد تو را سزاوارتر به
او از خود او، دروذهای خدا و رحمت و برکات و سلام و تحیاتش بر تو و بر امامان از خاندان پاک تو، زیرا او
ستوده و بزرگوار است؛

وَالْأَمْرُ الْأَعْجَبُ، وَالْمُخْطَبُ الْأَفْطَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ، غَضِبَ الصِّدِّيقَةُ الطَّاهِرَةُ الزَّهْرَاءُ، سَيِّدَةُ
النِّسَاءِ فَدَكَّا، وَرَدُّ شَهَادَتِكَ وَشَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سُلَالَتِكَ، وَعِترَةُ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ، وَ
قَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ، وَرَفَعَ مَنَزِلَتَكُمْ، وَأَبَانَ فَضْلَكُمْ، وَشَرَّفَكُمْ عَلَى
الْعَالَمِينَ، فَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرَ أَقْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ
هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ) [معراج/ ۱۹] فَاسْتَنْنَى اللَّهُ تَعَالَى
نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى، وَأَنْتَ يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَمَا أَعَمَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ؛



کار شگفت‌تر و حادثه زشت‌تر، پس از انکار حق تو، غضب فدک صدیقه طاهره زهرا سرور زنان و نپذیرفتن گواهی تو و گواهی دو سرور از نژادت و عترت مصطفی است! (درود خدا بر شما باد) و حال آن‌که خدا درجه شما را بر امت برتر گرداند و منزلت شما را رفیع قرار داد و فضل و شرفتان را بر جهانیان آشکار ساخت و پلیدی را از شما برد و پاکتان ساخت پاک ساختنی ویژه، خدا عزوجل فرمود: همانا انسان بی‌طاقت و حریص آفریده شده؛ چون آسیبی به او رسد بیتابی می‌کند؛ و هنگامی که خیری [مثل امکانات مادی] نصیب او شود بخل می‌ورزد؛ به جز نمازگزاران [که از برکت نماز، پُرتحمل و قناعت‌پیشه و اهل سخاوت‌اند]؛ پس خدای متعال، پیامبر برگزیده‌اش را و تو را، ای سرور جانشینان از همه مردم استثنا کرد، پس آنان که به تو ستم کردند، چقدر از دیدن حق کور بودند؛

ثُمَّ أَفْرُضُوكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبَىٰ مَكْرًا، وَأَحَادُوهُ عَنِ أَهْلِهِ جَوْرًا، فَلَمَّا آلَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرَيْتَهُمْ عَلَىٰ مَا أَجْرِيَا، رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ، فَأَشْبَهْتَ مِحْنَتَكَ بِهِمَا مِحْنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، عِنْدَ الْوَحْلَةِ وَعَدَمِ الْأَنْصَارِ

سپس سهم خویشان پیامبر را از باب فریب برای تو مقرر داشتند، ولی به جور و ستم از اهلش برگرداندند، چون حکومت به تو برگشت با خویشان پیامبر درحالی که از آن دو نفر روی گردان بودی، به خاطر پاداشی که نزد خدا برای تو بود، به همان صورت عمل کردی که آن دو نفر عمل کردند، پس گرفتاری تو به آن دو نفر به گرفتاری پیامبران (درود خدا بر ایشان) در هنگام تنهایی و بی‌یاوری شبیه شد

وَأَشْبَهْتَ فِي الْبَيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الذَّبِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِذْ أَجَبْتَ كَمَا أَجَابَ، وَأَطَعْتَ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ، صَابِرًا مُحْتَسِبًا، إِذْ قَالَ لَهُ: (يَا بُنَيَّ، إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ، فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ، قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ، سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ) [صافات/ ۱۰۲]؛ وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَمَرَكَ أَنْ تَضَجَّ فِي مَرَقِدِهِ، وَإِقْيَالَهُ بِنَفْسِكَ، أَسْرَعْتَ إِلَىٰ إِجَابَتِهِ



مُطِيعًا، وَلِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا؛ فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ، وَأَبَانَ عَنِ جَمِيلِ فِعْلِكَ، بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ) [بقره/۲۰۷]

و در آرمیدن در بستر پیامبر شبیه به اسماعیل ذبیح (درود بر او) شدی چه آن که تو نیز مانند او قبول کردی و اطاعت نمودی به همان صورت که اسماعیل صابرا نه و پاداش خواهانه اطاعت کرد، وقتی که ابراهیم به او گفت: «پسرکم! همانا در خواب دیدم تو را ذبح می‌کنم؛ با تأمل بنگر رأی تو چیست؟ گفت: پدرم! آنچه را به آن مأمور شده‌ای انجام ده، ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت» و تو نیز زمانی که پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش) در بسترش خوابانندت و به تو فرمان داد در خوابگاهش بیارامی و او را با جانت از شر دشمنان حفظ کنی، فرمانبردارانه به پذیرش دعوتش شتافتی و خود را برای کشته شدن آماده کردی؛ در نتیجه خدا از فرمان‌برداری‌ات قدردانی کرد و از کار زیبایت به گفتارش جلّ ذکره در قرآن پرده برداشت، آنجا که فرمود: و از مردم کسی [چون علی بن ابی طالب (علیه السلام)] است که جانش را برای به دست آوردن خشنودی خدا می‌فروشد؛

ثُمَّ مَحْنَتِكَ يَوْمَ صَفِينٍ، وَقَدْرُفَعَتِ الْمَصَاحِفُ حَيْلَةً وَمَكْرًا، فَأَعْرَضَ الشَّكُّ، وَعُرِفَ الْحَقُّ، وَاتَّبَعَ الظَّنُّ، أَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هَارُونَ، إِذْ أَمَرَهُ مُوسَى عَلَى قَوْمِهِ، فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ، وَهَارُونَ يُنَادِي بِهِمْ وَ يَقُولُ: (يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ، وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ، فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي، قَالُوا: لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ، حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى) [طه/۹۰]

سپس گرفتاری‌ات در جنگ صفین، درحالی که قرآن‌ها از روی حیل و فریب به نیزه‌ها بالا رفته بود، در نتیجه شک و تردید پیدا شد و حق به یک سو افتاد و از گمان پیروی شد، این گرفتاری‌ات شبیه به گرفتاری هارون شد، زمانی که موسی او را بر قوم خود امارت داد، آن‌ها از دور او پراکنده شدند، هارون بر سر آنان فریاد می‌زد و می‌گفت: ای قوم من! شما به وسیله این [مجسمه بی‌جان و بی‌اثر] مورد آزمایش قرار گرفته‌اید، بی‌تردید پروردگار شما خداوند رحمان است، بر شماست که از من [که پیامبر و جانشین موسی هستم] پیروی کنید و مطیع دستورم باشید؛ گفتند: ما هرگز پرستش گوساله را ترک نمی‌کنیم تا موسی به سویمان بازگردد!

وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ، قُلْتَ: يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخُدِعْتُمْ، فَعَصَوْكَ وَخَالَفُوا عَلَيْكَ، وَ
اسْتَدْعَوَانِصَبَ الْحُكَمَاءِ فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ، وَتَبَرَّاتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ، وَفَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ، فَلَمَّا اسْفَرَ
الْحَقُّ وَسَفِهَ الْمُنْكَرُ، وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَالْجُورِ عَنِ الْقَصْدِ، اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ، وَالزُّمُوكَ عَلَى سَفَهِهِ
التَّحْكِيمِ، الَّذِي أَبَيْتَهُ وَأَحْبَبُّهُ وَحَظَرْتَهُ، وَأَبَا حُواذِنْبُهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ؛

و همچنین تو ای امیرمؤمنان، همین که قرآن‌ها بالا رفت گفتی: ای ملت شما به آن آزمایش شدید و گرفتار
نیرنگ گشته‌اید، اما از خواسته تو سرپیچی کردند و با تو به مخالفت برخاستند و گماشتن دو داور را از تو تقاضا
نمودند، تو از تقاضای آنان سرباز زدی و از عمل آنان به سوی خدا بیزار جستی و آنان را به خودشان
واگذاشتی، پس زمانی که حق آشکار شد و خطای منکر روشن گشت و به لغزش و انحراف از راه حق اعتراف
کردند، پس از آن دچار اختلاف شدند و از روی بی‌خردی تو را مجبور به پذیرفتن حکمیت کردند، حکمیتی که
از آن سرباز زدی و آنان می‌خواستند و تو از آن باز داشتی، حلال دانستند گناهانشان را که مرتکب شدند؛

وَأَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَهَدْيٍ، وَهُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَعَمَى، فَمَا زَالُوا عَلَى النِّفَاقِ مُصِرِّينَ، وَفِي
النَّعِيِّ مُتَرَدِّدِينَ، حَتَّى أَذَاقَهُمُ اللَّهُ وَبَالَ أَمْرِهِمْ، فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَدَكَ فَشَقِيَّ وَهَوَى، وَأَحْيَا
مُحِبَّتِكَ مَنْ سَعَدَ فَهَدَيْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ، غَادِيَةً وَرَائِحَةً، وَعَاكِفَةً وَذَاهِبَةً،

تو بر راه بینایی و هدایت بودی و ایشان بر روش‌های گمراهی و کوری، همچنان بر نفاق اصرار داشتند و در
گمراهی سرگردان بودند تا خدا سنگینی کار ناپسندشان را به آنان چشاند و کسی را که با تو دشمنی کرد با
شمشیرت به نابودی کشیدی، پس بدبخت و نگونسار شد و با حجت تو زنده کرد کسی را که سعادت یافت و
راهنمایی شد. درود خدا بر تو باد بامداد و شامگاه، در حضر و در سفر،

فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَصَفَكَ، وَلَا يُحِبُّ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ، أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً، وَأَخْلَصُهُمْ
زَهَادَةً، وَأَذْبَهُمْ عَنِ الدِّينِ، أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجُهْدِكَ، وَفَلَّتْ عَسَاكِرُ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ، تُحْمَدُ



هَبَ الْحُرُوبِ بَيْنَانِكَ، وَتَهَيْتُكَ سُتُورَ الشُّبُهَةِ بَيْنَانِكَ، وَتَكْشِفُ لُبْسَ الْبَاطِلِ عَنِ صَرِيحِ الْحَقِّ، لَا
تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ،

بر وصف مدح کننده‌ای احاطه نکند و عیب‌جویی بر تریات را نابود ننماید، تو در عبادت بهترین خلقی و در
پارسایی خالص‌ترین آنانی و در دفاع از دین سرسخت‌ترین ایشان، با کوششت حدود خدا را بپا داشتی و با
شمشیرت اردوهای خارج از دین را فراری دادی، با سرانگشتانت شعله جنگ‌ها را خاموش ساختی و با بیانت
پرده‌های شبهه را دریدی و آمیختگی باطل را از حق صاف و آشکار بر طرف کردی، سرزنش هیچ
سرزنش کننده‌ای تو را در راه خدا مانع نشد،

وَفِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غِنَى عَنِ مَدْحِ الْمَادِحِينَ، وَتَقْرِيطِ الْوَاصِفِينَ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (مِنْ
الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَجْبَهُ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ، وَمَا بَدَّلُوا
تَبْدِيلًا) [احزاب/۲۳]

مدح خدای تعالی تو را بی‌نیاز کرد از مدح مداحان و ستایش وصف‌کنندگان؛ خدای تعالی فرمود: از مؤمنان
مردانی هستند که به عهده‌ی که با خداوند [برای ثبات قدم و دفاع از حق تا نثار جان] بسته بودند وفا کردند،
برخی از آنان [عهد خود را تا شهید شدن] به انجام رساندند و بعضی [شهادت را] انتظار می‌برند و به هیچ‌وجه
[عهدشان را] تغییر نداده‌اند.

وَلَمَّا رَأَيْتَ أَنْ قَتَلْتَ النَّاكِثِينَ، وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ، وَصَدَقَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ وَعُودُهُ، فَأَوْفَيْتَ بَعْدَهُمْ، قُلْتَ: أَمَا أَنْ أَنْ تُخْضَبَ هَذِهِ، مِنْ هَذِهِ أَمْ مَتَى يُبْعَثُ أَشْقَاهَا، وَاثِقَابَاتُكَ
عَلَى بَيْنَةِ مَنْ رَبَّكَ، وَبَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، قَادِمٌ عَلَى اللَّهِ، مُسْتَبَشِرٌ بِيَعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ، وَذَلِكَ هُوَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛



زمانی که دیدی پیمان شکنان و ستمکاران و بیرون رفتگان از دین را کشتی و رسول خدا (که درود خدا بر او و خاندانش باد) وعده اش را به تو راست گفته بود و تو هم به عهدش وفا کردی، گفتی: آیا وقت آن نرسیده که این محاسن به خون سر رنگین شود؟ یا چه زمان بدبخت ترین این ملت برای این کار برانگیخته می شود، اطمینان داشتی به اینکه بر پایه برهانی از پروردگارت و بصیرت از کارت هستی، وارد شونده بارگاه خدایی، شادان به معامله ای که انجام دادی و این است آن رستگاری بزرگ؛

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ، وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ، وَأَصْلِهِمْ حَرَنَارِكَ، وَالْعَنْ مَنْ غَضَبَ
وَلَيْتَ حَقُّهُ، وَأَنْكَرَ عَهْدَهُ، وَجَحَنَ بَعْدَ الْيَقِينِ، وَالْإِقْرَارِ بِالْوَلَايَةِ لَهُ يَوْمَ أَكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ؛
اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ ظَلَمَهُ، وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ؛ اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَقَاتِلِيهِ،
وَالْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ وَنَاصِرِيهِ، وَالرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَخَازِلِيهِ لَعْنَاوِيلاً؛

خدایا کشندگان پیامبران و جانشینان انبیای را به همه لعنت های لعنت کن و آنان را ملازم حرارت آتشت گردان و لعنت کن کسی را که حق ولیات را غصب کرد و پیمانش را انکار نمود و او را پس از یقین و اقرار به ولایتش روزی که دین را برای او کامل کردی منکر شد، خدایا قاتلان امیرمؤمنان و کسانی که به او ستم کردند و پیروان و یاران آنان را لعنت کن. خدایا ستم کنندگان بر حسین را لعنت کن و همچنین قاتلان و پیروی کنندگان از دشمنش و یاوران دشمنش و راضیان به قتلش و دریغ کنندگان از یاری اش، لعنتی شدید و سخت؛

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَمَانِعِيَهُمْ حُقُوقَهُمْ؛ اللَّهُمَّ خُصَّ أَوْلَ ظَالِمٍ وَغَاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ
بِاللَّعْنِ، وَكُلِّ مُسْتَنَّ بِمَا سَنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى عَلِيِّ سَيِّدِ
الْوَصِيِّينَ، وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ، وَبِوَلَايَتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِينَ الْأَمِينِينَ، الَّذِينَ لَا
خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.



خدایا لعنت کن اول ستمکاری که به خاندان محمد ستم کرد و آنان را از حقوقشان بازداشت، خدایا اول ستمکار و غاصب حق خاندان محمد را به لعنت اختصاص ده و هر پیروی کننده از آنچه او شیوه و روش ساخت تا روز قیامت. خدایا درود فرست بر محمد خاتم پیامبران و بر علی سرور اوصیا و خاندان پاکش و ما را قرار ده از متمسکین به آنان و از کامیابان به ولایتشان و ایمنانی که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.

نویسنده گوید: ما در کتاب «هدیة الزائرین» به سند این زیارت اشاره کردیم و اینکه این زیارت را هر روز از نزدیک و دور می شود خواند و این فایده بزرگی است که البته مشتاقان به عبادت و شائقان زیارت حضرت شاه ولایت آن را غنیمت خواهند شمرد.

این زیارت را هر روز از نزدیک و دور می شود خواند، و این فایده بزرگی است که البته مشتاقان به عبادت، و شائقان زیارت حضرت شاه ولایت علیه السلام آن را غنیمت خواهند شمرد.